

تا به افسوس ننشسته ایم؛ بافت یزد، تختگاه کویر را دریابیم!

دکتر پرویز ورجاند

استاد دانشگاه تهران

مقدمه

مرحوم، دکتر پرویز ورجاند (۱۳۱۳-۱۳۸۶) از اساتید برجسته باستان‌شناسی و فعال در حوزه میراث فرهنگی بود. وی پس از انقلاب ۱۳۵۷ برای مدت کوتاهی مسئولیت وزارت فرهنگ و هنر را پذیرفت و در همین مدت کوتاه اقدامات خطیری را برای فرهنگ ایران به انجام رساند. از جمله جلوگیری از تخریب تخت جمشید و همچنین تلاش برای به ثبت رساندن مجموعه تخت جمشید، میدان نقش جهان و چغازنبیل میتوان اشاره نمود.

ایشان، تعبیر «تختگاه کویر» را در عنوان مقاله چاپ شده در مجله هنر و مردم (به سال ۱۳۵۸، شماره ۱۹۳) به کار بسته اند؛ که در این ویژه نامه فصلنامه چیدمان، بنابر اهمیت مقاله باز نشر نموده و در آن به ویژگی‌ها و ارزش‌های بافت کهن یزد در رابطه با اقلیم و زندگی پرداخته اند. نحوه نگارش به موضوع یزد در بستر زمانی پس از انقلاب و در بازه‌ای که مهاجرت از بافت تاریخی و ترک خانه‌های قدیمی شدت بیشتری پیدا کرده بود، جالب توجه است. از این رو تصمیم بر آن شد تا با چاپ این مقاله ارزشمند، دریچه کوچکی از رویکرد ارزش مبنای شهر تاریخی یزد، گشوده شود.

آب‌انبارها، پاکنه‌ها و جوی‌های یزد:

برای شهری چون یزد که ارزش آب بیش از هر جای دیگر در آن با تمام وجود احساس می‌شود، آب‌انبارها در بافت معماری آن به حق جایگاهی بس بالا دارند و در بیشتر محله‌ها یکی از چند

اثر مهم معماری است که قلب محله را تشکیل می‌دهد. وجود گنبد‌های وسیع فراز منبع، سردرهای بلند و بالاخره چشمگیرتر از همه هواکش‌های متعدد پیرامون منبع که چون گلدسته مسجدها با طرحی زیبا و کشیدگی خوش تناسب نظر را به سوی آسمان نیلگون متوجه می‌سازد، همه و همه مجموعه‌ای شکوهمند و زیبا را عرضه می‌دارند که چون معبدی بزرگ و مقدس هر رهگذری در برابر آن قدم آهسته می‌سازد و تحت تأثیر جاذبه‌ی خاص آن قرار می‌گیرد. رهگذری که از گرمای شدید نفس در سینه‌اش حبس شده و تشنگی زبانش را چون تخته سخت ساخته و لب‌هایش چون بیماری که در طب شدید می‌سوزد داغمه بسته است، با شوق از سرایش پلکانها پایین می‌رود تا با نوشیدن جرعه‌ای آب و احساس خنکی در ژرفای پلکانها جانی تازه بیابد و یزدان را از نعمتی که بر او ارزانی داشته در دل ستایش کند.

درباره‌ی آب‌انبارهای یزد می‌گویند که برای تصفیه‌ی آب آن موادی چون: نمک و آهک بر آن می‌افزوده‌اند. یزدان آهک و نمک افزوده شده آنقدر بوده که بر روی سطح آب قشری به نسبت ضخیم تشکیل می‌داد. پاره گشتن این پرده نشانه‌ی آلوده شدن آب و نجس بودن آن به شمار می‌رفت. به طور معمول کلیه‌ی سازندگان و وقف‌کنندگان آب‌انبارهای یزد، استفاده از آب آب‌انبارها را جز برای مصرف خوردن حرام کرده‌اند و این نبود جز به دلیل کمبود آب. در این میان برخی از آب‌انبارها و از جمله آب‌انبار پنج بادگیر یزد را می‌توان جزء استثنا دانست زیرا که وقف‌کننده استفاده از





بادگیر باغ دولت آباد در دست مرمت-نمای باغ دولت آباد دهه-۵۰؛ منبع: آرشیمیراث فرهنگی

قنات برسیم محل‌هایی برای دسترسی به آب ایجاد کرده‌اند که بسته به ژرفا و محلشان بنام‌های منطقه یزد به‌شمار می‌رود.

پاکنه: پاکنه سرآشیمی یا پلکانی است که در مسیری با ژرفای کم به جریان زیرزمینی آب قنات راه می‌یابد و در داخل بنا و مجموعه قرار دارد.

جو: پلکان بلندی است که در مسیر کوچه و خیابان قرار دارد و با ژرفای زیاد به آب قنات دسترسی می‌دهد.

در آنجا فضای به نسبت بازی است که تنی چند از مردم گرم‌زده را برای مدتی می‌تواند در خود جای دهد و آب و هوای خنکی را بدانها ارزانی بدارد و سپس سرحال روانه ادامه راه و کارشان سازد.

راه‌پله‌های آب‌انبارها نیز به سهم خویش پناهگاه‌های مناسبی برای رهگذران تشنه و گرم‌زده در روزهای گرم تابستان‌های یزد به‌شمار می‌روند.

پله‌ی آب‌انبارها را «راچونه» یا «راچینه» گویند و گاه ژرفای پاشیر تا صد راچینه می‌رسد.

در مسیر پلکان‌ها چند پاگرد وجود دارد که بزرگترین آن‌ها را «واشدگاه» می‌گفتند. در همین پاگردها است که رهگذران دمی می‌آسایند و در گذشته در برخی از آن‌ها قهوه‌چی‌های دوره‌گرد سماوری می‌گذارند و دستگاه چای را علم می‌کردند و از رهگذران با صفا و لطفی خاص پذیرائی می‌کردند.

آبش را برای مصارف دیگری جز آشامیدن نیز مجاز دانسته است. در شهر یزد در مجموع نزدیک ۷۵ آب‌انبار وجود دارد که بسته به وسعت و تعداد ساکنان هر محله از یک تا چند آب‌انبار در هر محله وجود داشته و نیاز مردم را برمی‌آورده است.

آبی که در این آب‌انبارها ذخیره می‌ساختند همه آب قنات بود نه آب باران. از سوی دیگر بخش عمده آب مورد نیاز کشتزارهای یزد و روستاهای منطقه‌ی یزد از آب قنات‌ها تأمین می‌گشت و به همین دلیل داشتن آبیابی و فن‌کندن قنات در این منطقه از دیرباز از اهمیت و اعتباری خاص برخوردار بوده است.

از جمله قنات‌هایی که نیاز مردم یزد و پیرامون آن را تأمین می‌ساختند می‌توان قنات‌هایی چون: نرسوآباد، زارچ، طهره، خانی، وقف‌آباد، اله‌آباد، دولت‌آباد، شیخداد یا چشمه‌نو، قنات شاهی (آب‌شاهی) که توسط میرچقماق ایجاد شده بود و صدرآباد را یاد کرد. در نهایت تأسف به دلایلی چند امروز تعدادی از آن‌ها خشک گردیده و دیگر آب خوش و گوارا در آن‌ها جریان ندارد و در مظهرشان نشانی از حرکت دلپذیر آب دیده نمی‌شود. این در حالی است که به قولی سطح آب زیرزمینی در شهر یزد هر سال چیزی بیش از یک متر پایین می‌رود و کمبود آب خطری بزرگ برای شهر خوانده می‌شوند.

در مسیر قنات‌ها که از داخل شهر می‌گذرد پیش از آنکه به مظهر

نکته‌ی جالب درباره‌ی تعدادی از آب‌انبارهای یزد آنکه با وجود لوله‌کشی آب، هنوز برخی از آنها مورد مصرف دارند و تابستان‌ها مردم محل از آب بسیار خنک آن‌ها که زمستان از آب لوله پر ساخته‌اند استفاده می‌کنند.

یزد و معماری خانه‌های سنتی آن:

احتمال دارد تازه واردی که یزد را نمی‌شناسد و ذوق گردش در بافت آن را به منظور شناسایی ویژگی‌های آن ندارد، بعد از ساعتی عبور در گذرها و کوچه‌های یزد و دیدن دیوارهای کاهگلی دو سوی گذرها احساس یکنواختی کند و سیمای کاهگلی دیوارها در او این تصور را به وجود آورد که جز در بناهای مهم تاریخی شهر در دیگر قسمت‌ها و به خصوص محل‌های مسکونی نشان چشمگیر از هنر معماری و تزئینات آن نخواهد یافت. در چنین وضعی اگر این تازه وارد بتواند از

پوسته‌ای به نام دیوار که

واحدهای مسکونی را از گذرها جدا می‌سازد عبور کند و قدم به درون خانه‌های قدیمی بگذارد، آنوقت دریافتش و نظرش تغییر خواهد کرد و سراپا شور و حال خواهد شد.

آری در پس دیوارهای به نسبت بلندی که خانه‌ها را در بر گرفته‌اند و در پشت هشتی‌هایی که خانه‌ها را از کوچه جدا می‌سازند، در بیشتر محله‌های با خانه‌هایی برخوردار می‌کنیم که به واقع شایسته آنند تا زیبا بخوانیمشان و از دیدنشان لذت ببریم.

خانه‌های قدیمی یزد همه از فضای به نسبت وسیع مستطیل شکلی برخوردارند. در میان صحن حیاط حوض‌های کشیده‌ای قرار



درب پنجره باتیغه‌های آفتاب‌شکن خافه مودت یزد-عکس از محمد حسینی

درباره‌ی توجیه ارزش و اهمیت این جوها و راه‌پله‌ها آب‌انبارها مشکل بتوان چنانکه باید حق مطلب را بین داشت، جز آنکه فرد خود از نزدیک آن‌ها را ببیند و احساس کند. یعنی آنکه پس از ساعت‌ها کار و تلاش و بعد از مدتی راه سپردن در کوچه پس کوچه‌های یزد در تابستان گرم و تف زده این شهر به جوئی و با آب‌انباری برسد و از آن پایین رود، آن وقت است که می‌تواند تفاوت هوای کوچه و بن جوی و پلکان آب‌انبار را چنانکه هست درک کند و لذت ببرد و در چنان حالتی است که با آگاهی و شناخت لازم قدرت خلاقه و هنر سازندگان این آثار را ستایش خواهد کرد.



دارد که دو طرف آن‌ها را باغچه‌های مستطیل شکل با درخت‌های انار در بر گرفته‌اند. این سطح آب و درخت‌های سرسبز اطراف آن به خصوص زمانی که درخت‌ها غرق در گل انار هستند، منظره‌ای جالب و تماشایی به جود می‌آورد.

در بیشتر خانه‌ها مقابل ورودی که در گوشه‌ی حیاط و یا در کنار یکی از دو ضلع کوچک صحن واقع است، تالار اصلی و پنج دری قرار دارد که گاه در مقابل آن باز است و صورت یک تالار ایوان مانند با عمق زیاد را دارد.

بناهای سه سوی دیگر به طور معمول دو طبقه هستند و در بالا پنجره‌های کم عرض در داخل قابسازی‌های زیبا به صورت قوس‌های نیزه‌دار خودنمایی می‌کنند. پنجره‌ها را برای آنکه آفتاب به درون نیفتد چنان ساخته‌اند که در عمق ۳۰ سانتی قاب‌ها قرار گرفته‌اند. دور قاب‌های پنجره‌ها و درها را جفتی باریک از گچ فرا گرفته که بر روی زمینه‌ی اصلی سیمگل نه‌ای بنا، جلوه‌ای خاص به مجموعه می‌بخشد. برای زینت بیشتر بنا بالای درهای ورودی و زیر نیزه قاب‌های دور پنجره‌ها با هنرمندی خاصی نوعی کاربندی تزئینی با نمای قطار مقرنس ایجاد کرده‌اند و تمامی لبه‌های برجسته آن‌ها را با گچ مشخص ساخته‌اند و در مجموع تابلوهایی دیدنی به وجود آورده‌اند که نه تنها تکرار آن‌ها چشم را خسته نمی‌کند بلکه نگاه انسان با شوق سراسر بدنه بنا را به آرامی طی می‌کند و لذت می‌برد.

درون تعدادی از اطاق‌ها، به خصوص آن‌ها که از فضای بیشتری بهره‌مند هستند دارای تزئینات گچبری، آئینه‌کاری و نقاشی روی چوب است.

خانه‌های یزد با وجود گرمای شدید تابستان و بادهای سوزنده کویری و سرمای نفوذکننده زمستان، در هر دو فصل از چنان ویژگی‌هایی برخوردارند که می‌توانند راحتی و هوای مطبوعی را به ساکنانشان ارزانی دارند. زیرا که از دیرترین روزگاران معماران یزدی با توجه به شناخت آگاهانه‌ای که از شرایط اقلیمی و آب و هوای سرزمین خود داشته‌اند، در انتخاب مصالح برای ساختن خانه و دیگر فضاهای معماری که زندگی در آن جریان داشته دقت و نکته‌سنجی خاصی به کار برده‌اند.

آن‌ها با وجود دسترسی داشتن به گونه‌های مختلف سنگ و مرمرهای خوش نقش، با وجود مهارت داشتن در ساختن آجر، هیچگاه از این دو پدیده در جسم و بنای نما بهره نبرده‌اند و تنها خشت را به خدمت گرفته‌اند، زیرا به یاری این پدیده‌ی ارزان قیمت، خود را در ایجاد فضاهایی محفوظ در برابر نفوذ گرما و سرمای شدید تابستان و زمستان، فراوان موفق می‌دیدند. آن‌ها با ساختن جرزها و دیوارهای سطر خشتی توفیق آن یافته‌اند تا به راحتی راه نفوذ سرما و گرما را به داخل بنا سد سازند، همچنین با ایجاد سقف‌های کاذب «خوانچه پوش» در اطاق‌ها، راه را برای نفوذ گرما از راه بام نیز بسته‌اند. بالاخره آنکه با ایجاد زیرزمین‌های وسیع و بادگیرهای بلند، فضای خنک و دلچسبی را در جهنم

بعد از ظهرهای یزد برای اهل خانه فراهم ساخته‌اند.

بحث درباره‌ی ویژگی‌های ساختمانی و هنری خانه‌های یزد و تشریح انواع نقشه‌ها و نهاسازی‌های آن‌ها با توجه به تعداد فراوان و تنوعی که در آن‌ها وجود دارد، مطلبی است که پرداختن به آن نیاز به زمانی وسیع و کاری جدید و اساسی دارد و چیزی نیست که بتوان آن را در طی چند صفحه مورد گفتگو قرارداد. ولی نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد اینست که، یزدی همانقدر که در نمای بیرون خانه رعایت نهایت سادگی را کرده و در تلاش چشم و هم‌چشمی با همسایه برنیا شده است، درون خانه را که محل گذراندن عمده‌ی ساعت‌های روز برای کدبانوان، کودکان و نوجوانان خانواده بوده تا حد امکان به گونه‌ای دلپذیر و با روح آراسته و زینت کرده است. ساکنان خانه ساعت‌های کار و فعالیت و استراحت را در فضایی سرشار از صفا و زیبایی‌های چشم‌نواز به سر می‌برند. وجود حوض‌های به نسبت وسیع و باغچه‌های پیرامون آن‌ها خاطره‌ی خشک و کم‌آب کویری را از خاطر ساکنان خانه بیرون می‌برد و در عوض احساس زیستن در محیطی با طراوت را برایشان ایجاد می‌سازد. به بیان دیگر اینکه درون خانه‌ی یزدی فضایی است سرشار از زندگی و زیبایی.

دستکاری‌های ناموفق در بافت یزد و عوامل مؤثر در ویرانی محله‌های قدیمی:

نکته‌ی قابل توجه در مورد رو به ویرانی نهادن بخشی از بافت قدیم یزد و دیگر شهرهای کهن این سرزمین را می‌توان در عامل زیر جستجو کرد.

مردم هر محل در گذشته خود را مسئول حفظ و نگهداری محله‌ی خود می‌دانستند و گذشته از مرمت و نظارت نه‌ای خانه‌های خود، در امر نگهداری از برخی واحدهای همگانی چون مسجد، آب‌انبار، بازارچه و میدان چنانکه موقوفات آن‌ها کفاف مخارج نگهداری آن‌ها را نمی‌داد به طور دسته جمعی اقدام می‌کردند و همیشه آباد و تمیز و سرپا نگهداری می‌داشتند ولی از زمانی که پای واحد عریض و طویلی به نام شهرداری به میان کشیده شده و همه ساله به عنوان مختلف: برو بالکن، نوسازی و غیره به زور از مردم پول‌های کلانی گرفته می‌شود، وضع دگرگون شده و محله‌های قدیمی سال به سال رو به ویرانی می‌روند. زیرا که مسئولان شهرداری خود را در قبال نیازمندی‌های ساکنان این محلات که به گونه‌های مختلف مالیات می‌پردازند مسئول نمی‌دانند و تمام هم خود را به کار می‌برند تا بلوارها و خیابان‌های تازه‌ای بکشند و بی حساب شهر را در جهتی خاص توسعه دهند زیرا که آن‌ها گذشته از استفاده‌های خاص، نشانه‌ی تحول و پیشرفت شهر را در ایجاد بلوارهای پهن و خیابان‌های متعدد و مستقیم و در نتیجه در هم کوبیده شدن بافت‌های کهن و ساختن بناهایی با مصالح جدید و شکل‌هایی بی‌تناسب و بدون ارتباط با طرح‌های سنتی می‌دانند.

امر توسعه‌ی شهر همراه با شبکه‌های جدید، تأمین آب، برق و تلفن در بخش نوین شهر موجب هجوم کسانی را که در بافت‌های قدیمی و اصلی شهر از داشتن هر گونه امکان رفاهی و خدمات



نمایی از شهر تاریخی یزد بر فراز مناره مسجد جامع یزد-عکس از محمد حسینی

تدریج غبار فرسودگی بر سراسر محله می‌نشیند و آن‌را به روزی می‌اندازد که از آن بوی نیستی و تهی شدن از تلاش و زندگی به مشام می‌رسد.

اگر با علاقه و کنجکاوی در شهر یزد به سیر و سیاحت بپردازیم، هنوز هم در برخی محله‌ها می‌توان نمونه‌ای از کوچه‌ها و گذرهای سنگفرش را دید. دست کم از دوران صفویه به بعد آگاهی داریم

شهری بی‌بهره هستند، به سوی این بخش‌های تازه ایجاد شده فراهم می‌سازد و نتیجه آنکه با بیرون رفتن گروه‌های صاحب امکان از بافت‌های اصلی، به تدریج مردمی با درآمد ناچیز جای آن‌ها را می‌گیرند و این دسته نه تنها کوچکترین امکانی برای حفظ و نگهداری این بافت‌ها در اختیار ندارند، از حداقل نیرو نیز برای تحت تأثیر قراردادن مسئولان شهری بی‌بهره‌اند، نتیجه آنکه به



که برای جلوگیری از برپا شدن گرد و غبار در تابستان و ایجاد گل و لای در زمستان خیابان‌ها و کوچه‌های عمده‌ی شهرها، میدان‌ها و صحن‌های وسیع را سنگفرش می‌کرده‌اند. ذوق و سلیقه‌ای که در شبکه‌بندی آجری و سپس نقش انداختن با قلوه‌سنگ‌ها به کار می‌بردند با توجه به نمونه‌های موجود خود شاهکاری ارزنده از شهرسازی این دوران‌ها به شمار می‌رود.

در گذشته‌ای نه چندان دور، تا آن زمان که از شهرداری خبری در بین نبود مردم هر کوچه و گذر با همکاری هم نسبت به مرمت و نگهداری این سنگ‌فرش‌ها اقدام می‌کردند و هر صبح و عصر کدبانوهای یزدی در خانه‌ها را جارو می‌کردند و نمی‌آب می‌پاشیدند تا کوچه و گذرشان پاک و با نشاط باشد. هنوز بسیاری از زنان و مردان یزدی که کوچه‌های آب‌پاشی شده و سنگ‌فرش قدیمی را به خاطر دارند و هم اکنون نیز در برخی محله‌ها با کوچه‌های جارو شده و آب‌پاشی شده برخورد می‌کنیم که بوی خاک و گاه‌گل نمناک فضای گذر را پر ساخته و توجه هر رهگذری را هر قدر هم که بی‌تفاوت و درگیر باشد به خود جلب می‌سازد.

با این حال یکی از مشکلات کنونی قسمت عمده شبکه‌های ارتباطی بافت کهن یزد را کوچه‌های خاکی آن تشکیل می‌دهد، کوچه‌هایی که در تابستان خاک و غبار آن و در زمستان گل و لایش مردم ساکن آن‌ها را به عذاب می‌آورد و فریاد اعتراض به حق آن‌ها را بلند می‌سازد. در برابر اعتراض مردم شهرداری راه چاره را آسفالت کردن این مسیرها می‌داند و برای آسفالت کردن آن‌ها ضوابطی دارد که این ضوابط تا حد فراوان الگویی است از روی ضوابط شهرداری تهران. عرض کمتر از ده یا دوازده متر را مردم باید آسفالت کنند. همین یک ماده کافی است که مردم ناخودآگاه به قطعه قطعه کردن بافت شهر و محله‌ی خود تن در دهند. در تمام طول زمانی که شهرداری یزد شروع به کار کرده است، حتی یک‌بار هم به فکر آن نبوده که به جای عریض کردن بی‌منطق همه‌ی گذرها و آسفالت کردن، با حوصله‌ی لازم نیاز هر محله‌ای را بررسی کند و سپس با پس بردن دیوارهای ساده در عین حفظ شکل بافت اصلی، گذرها را عریض و سنگ‌فرش کف آن‌ها را مرمت کند. به نظر مقامات مسئول وجود کوچه‌های پیچ و تاب‌دار و حفظ ساباط‌ها و بازارچه‌ها با امر پیشرفت و عمران شهر مغایر است. به نظر آن‌ها سنگ‌فرش نشانه‌ای از عقب افتادگی و آسفالت مظهر تمامی پیشرفت‌هاست؟! حال با آسفالت کردن تمامی خیابان‌ها و کوچه‌های یزد چگونه تابستان این شهر را به جهنم تبدیل خواهند ساخت امری است که به نظر آن‌ها در برابر مظاهر پیشرفت می‌توان آن‌را نادیده انگاشت.

بنابراین اگر بخواهیم موجبات ادامه حیات و زندگی پر حرک را در این بافت‌ها فراهم سازیم باید که مسئولان شهرداری‌ها در سیاست غلط موجود خود تجدید نظر کنند باید که بر اساس یک برنامه‌ی مطالعه شده همه‌ی خدمات شهری مورد نیاز مردم این محلات را برایشان فراهم سازند. شبکه‌های ارتباطی این محله‌ها را به جای درهم

کوبیدنشان با ایجاد یک خیابان پهن و مستقیم، متناسب با حجم جمعیت آن‌ها و حفظ فضای کلی و اصلی اصلاح و توسعه دهند.

شک نیست که مردم محل می‌خواهند تا با ماشین از یک سوی شهر خود را به نزدیکی خانه‌ی خود برسانند و یا وسایلی را که خریده‌اند به آن‌ها حمل کنند و همچنین می‌خواهند مطمئن باشند که در موقع بروز حادثه و بیماری، به آسانی و بدون از دست رفتن وقت بیمار خود را به پزشک برسانند. اینها همه خواست‌های معقولی است که با مطالعه‌ی دقیق بافت اکثر محله‌ها می‌توان موجبات تحقق آن را فراهم ساخت.

در اندونزی در برخی محله‌های قدیمی به جای در هم ریختن شبکه‌های کم عرض و پر پیچ و خم، ماشین‌هایی را به ایتالیا سفارش داده‌اند که به راحتی در این شبکه‌ها عبور می‌کند به عبارت دیگر نه مردم را از داشتن امکانات معقول و مورد نیاز بی‌بهره ساخته‌اند و نه آنکه بافت قدیمی را بی‌پروا برای عبور دادن وسایل حمل و نقل جدید درهم کوبیده‌اند.

باید که با استفاده از برخی واحدهای غیر قابل استفاده چون باراندازها و کاروانسراها، نسبت به ایجاد واحدهای رفاهی مورد نیاز مردم محله با توجه به نیازهای زندگی امروز اقدام شود و با ایجاد فضاهای سبز از سطح یک باغچه گرفته تا پارک‌های متوسط فضایی با طراوت و شاد برای ساکنان محله فراهم ساخت.

در زمینه‌ی تغییر بافت‌های قدیمی، به خصوص در قسمت‌های اساسی آن باید تمامی جنبه‌های زندگی مردم و چگونگی رشد شهر و مبنای حیات اقتصادی آن‌را در نظر گرفت و بر اساس بررسی‌های علمی و همه جانبه طرح‌های لازم را تهیه و به مورد اجرا گذارد زیرا که ایجاد شبکه‌های جدید و بدون مطالعه در قلب بافت کهن شهر گذشته از لطمه‌ای که بر پیکر یک شهر تاریخی چون یزد وارد می‌سازد و آن‌را تباہ می‌سازد از نظر حیات اقتصادی شهر نیز می‌تواند اثرات منفی به بار آورد. در این باره بی‌مورد نخواهد بود تا به آنچه که بر سر بازار یزد آمده اشاره کنیم.

بازار بزرگ شهر که مرکز عمده‌ی فعالیت اقتصادی شهر و منطقه را در بر می‌گرفته در گذشته قلب شهر را تشکیل می‌داده و با بافت پیرامون خود به گونه‌ای حساب شده و معقول در ارتباط بوده است.

در هر بخش و راسته‌ای از آن گروه معینی از بازرگانان و اهل حرفه و فن به کار و کسب می‌پرداختند و تمامی آن از رونق لازم بهره‌مند بوده است. ولی از زمانی که بدون کوچکترین مطالعه و بررسی با شیدن خیابان شاه، بازار را دو نیمه ساخته‌اند، پیوند و همبستگی بین واحدهای مختلف آن از میان رفته و به تدریج تعدادی از دکان‌ها به دو طرف خیابان جذب شده و در حال حاضر در برابر رونق مناسب قسمت بالای بازار، قسمت پایین آن به وضعی نامناسب دچار گشته و فعالیت آن روزبروز کاهش می‌یابد.

همچنین با وجود رونق فعالیت در زمینه‌هایی چون پارچه، فرش و خشکبار به دلیل آنکه بازارها و راسته‌های مربوط فاقد شبکه‌های ارتباطی کافی و کشش لازم هستند، اکثر می‌روند



ایوان مسجد جامع یزد در دست مرمت-منبع: آرشیو میراث فرهنگی



تا حیات فعال خود را از دست بدهند از اینرو ضرورت دارد تا با توجه به اوضاع و احوال خاص زمان و تغییراتی که در سطح شهر به عمل آمده، نسبت به فراهم ساختن موجبات ادامه حیات فعال این واحدا اقدام شود. از جمله آنکه با استفاده از کاروانسرا و باراندازهای قدیمی اطراف همین بازارها و راسته‌ها ترتیبی فراهم ساخت تا امکان رسانیدن ساده و آسان محصولات به آن‌ها فراهم آید و شبکه‌های ارتباطی آن‌ها با خیابان‌های پیرامون به راحتی در ارتباط باشند. باشد که موجبات ادامه فعالیت سالم آن‌ها فراهم آید و زندگی را از دست ندهند.

انجام همه این کارها به آن نیت است که می‌خواهیم زندگی و تلاش سازنده از این محله‌ها رخت بر نیندد و به فرض امکان حفاظت، محله‌های قدیمی و آثار معماری سنتی جنبه یک مجموعه موزه، خالی از سکنه را پیدا نکند. ما معتقدیم که شهرها در سیر حیات خویش با توجه به اوضاع و احوال زندگی اجتماعی و اقتصادی ساکنانشان و شرایط خاص سیاسی زمان و بالاخره ویژگی‌های نمود فرهنگ هر دوران به‌طور معقول در بافت و شکل‌شان تغییراتی پدید می‌آید این چیزی است که در گذشته نیز صورت پذیرفته است، ولی با توجه به پیشرفت سریع تکنولوژی لجام گسیخته از یکسو، سودجویی گروهی از صاحبان زر و زور از سوی دیگر و بالاخره ناآگاهی جمعی از مقامات و مسئولان شهری، شاهد آنیم که دگرگونی در بافت شهرها به گونه‌ای انفجاری در آمده است. بنابراین همه حرف و سخن ما اینست که تا اوضاع و احوال نابسامان کنونی موجبات بروز فاجعه‌ای جبران نشدنی را در باقیمانده‌ی بافت‌های قدیمی شهرهای کهن این سرزمین سبب نشده است، به فکر نجات معقول این بافت‌ها باشیم و حفظ و نگهداری منطقی و حساب شده‌ی آن‌ها را وظیفه‌ای ملی و فرهنگی بدانیم.

از یاد نبریم که بین بافت معماری هر شهر و ویژگی‌های فرهنگی، زندگی اجتماعی و خصوصیات اخلاقی مردم ساکن آن بافت پیوندی انکارناپذیر وجود دارد. می‌خواهیم رابطه‌های اجتماعی متکی بر انسانیت، شرف، بزرگواری، گذشت و فداکاری، یاری دادن و یاری ستاندن، محبت کردن، دزدی نکردن، حرمت هم را نگهداشتن، به ناموس دیگران تجاوز نکردن، لوطی‌گری داشتن و... همه و همه را که هنوز نزد بیشتر مردم باصفای یزد و آن‌ها که شخصیت و فرهنگ ریشه‌دار و مایه گرفته از فضا و شکل زندگی اصیل این مرز و بوم را حفظ ساخته و گرامی می‌دارند، همچنان زنده و پا بر جا بماند، باید بدانیم که پایدار ماندن این همه ارزش‌های والای انسانی و فرهنگ ملی و بومی جز در پیوندی ناگسستنی با مجموعه بافت موجود معماری این شهر میسر نخواهد بود.

آری من معتقدم که ویژگی‌های اجتماعی و انسانی ارزشمند و شناخته شده‌ی حاکم بر جامعه‌ی یزد به میزان فراوان با شکل و فضای خاص بافت این شهر در رابطه است و همانطور که فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی یزد در شکل بخشیدن و ایجاد این

مجموعه در تمامی زمینه‌ها دخالت مستقیم داشته است، شکل و فضای این بافت نیز بر زندگی ساکنانش تأثیر گذارده و خط‌های اصلی و چگونگی رابطه‌های عمیق اجتماعی بین گروه‌های مختلف جامعه، مردم هر محله و گذر را نظم و نسق بخشیده است چنانکه بسیاری از رابطه‌های ارزشمند و معقول اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی حاکم بر جامعه بازاریان این شهر را در درازمدت بیرون از مجموعه بافت خاص بازار و جاذبه‌ها و سنت‌های آن قادر به نگهداری‌شان نخواهیم بود. همچنانکه به زودی از همدلی‌ها آگاهانه و والای موجود میان ساکنان محله‌ها و گذرهای دیرپای یزد بیرون از بافت کهن آن در خانه‌های ساخته شده در دو سوی خیابان‌های پهن و پر غریبه و پر رفت و آمد این شهر دیگر نشانی نخواهیم یافت.

از اینرو است که با همه‌ی نیرو و توان خویش می‌خواهیم که بافت شهر یزد از نابودی نجات یابد و سالیان دراز دیگر ساکنان نجیب و با صفایش سرشار از نشاط و شور در آن شادمانه و به دور از دغدغه‌ی خاطر زندگی کنند و این میراث پر از ارج را پاسدار باشند. در یزد با وجود اینکه جنس خاک کف بیشتر گذرها از شن روان بوده با این حال چنانکه گفته شد از دیرباز اغلب آن‌ها سنگفرش بوده است. در بررسی‌های کلی و اجمالی که در این باره صورت گرفته در برابر بیشتر خانه‌ها و هشتی‌ها با سه نوع سنگفرش برخورد گردیده که عبارتند از:

الف: سنگفرش به صورت قلوه سنگ‌های درشت و نامرتب خاص محله‌های کم درآمد، نشانه‌هایی از این نوع سنگفرش هنوز در محله فهادان و شاه کمالیه وجود دارد.

ب: سنگفرش با سنگ‌های قلوه متوسط بدون طرح یا با طرح‌های ساده.

پ: سنگفرش خانه‌های اعیانی با ریگ‌های ریز و طرح‌های هندسی جالب و متنوع. (اطلاعات مربوط به سنگفرش کوچه‌های یزد توسط دوست عزیز آقای مهندس فتح نظریان ریاست محترم دفتر فنی کرمان در اختیار اینجانب گذارده شده است). ■